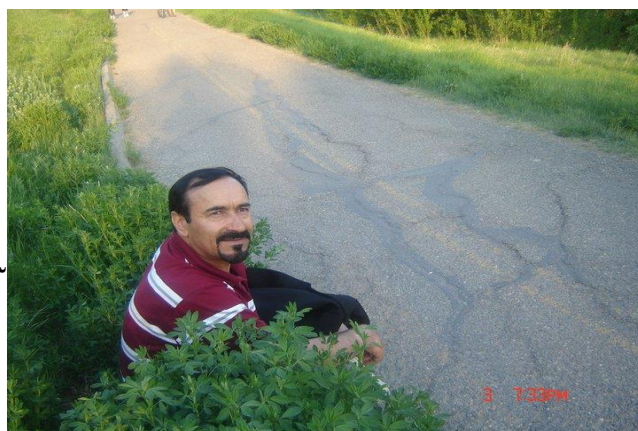


## آفتاب باد و انگشت پنهان نمیشود

داکترامان الله پامیری

۳ عقرب ۱۳۹۰



نخست از همه درود بی پایان به مورخین پاک دل و روشن ضمیر، زنده و جدان، بی تعصب و بی آرایش که واقعیت‌ها را بدون تعصب با قلم راست نویس‌شان درج‌دل‌های اوراق تاریخ نموده‌اند. لعنت و نفرین به آنها بیکه واقعیت‌را نا دیده گرفته نقل قول‌ها و افسانه‌های بیدلیل و ثبوت، افتراها، اراجیف و کلمات پوچ، بی معنی و توهمین آمیز را به آدرس یک مذهب، کیش و عقیده بر ملا میسازند. اگر مورخین در گذشته از نقل قول‌ها و افسانه‌های بیدلیل و ثبوت استفاده میکردند یا دلیل بر عدم موجودیت میدیا و رسانه‌های خبری و تصویری مدرن و تکنالوجی عصری بوده یا عدم آگاهی در ست از مذاهب دیگران، تعصب و مفکوره‌تاریک‌شان بوده است. ولی مورخین امروز که با وجود تکنالوجی عصری، میدیا و رسانه‌های پیشر

فته اینگونه اتهامات و کلمات تو هین گونه و اهانت آمیز بر علیه یک مذ هب اسلامی با استفاده از نقل قولها و افسانه ها درج تاریخ منفور شان مینمایند، گناه بس عظیم و نا بخشودنی است. یکی ازین مورخین که گویا دکتور را دارد و سند دا کتری اش را هم با دادن بوتل و دکا و چند کلبسه از تا جکستا ن جنگ زده که در آن ایام اشخاص و افرادیکه در موسسات اکادمیک و علمی کار میکردند، مانند سایر ادارات دولتی دچار فقر، تنگدستی و بی معاشی بودند، اخذ نموده است. حق این دا کتر و دکا و کلبسه است که به نسبت نداشتن معلومات و آگاهی چنین افترا و اتهام را درج تاریخ منفورش نماید. بر همگان معلوم است که اسما عیلیان همیشه مور دبی مهری و ا تها م، زجر و شکنجه متعصبین کور دل قرار گرفته یا مجبور به فرار یا کشته شده اند. آنها بیکه جان به سلامت برده اند زیاد تر در ارتقا عات بلند و جاهای صعب العبور در گوشه و کنار وطن جا گزیده اند مثلاً: در ده های هند و کش و بابا، و رای پامیر و کناره های دریای پنج، و اخان، شغنان و درواز.

آقای صاحب نظر مرادی: من شما را خوب میشناسم که پیر و یک سازمان سیاسی و پیرو یک اندیشه سیاسی و شاگرد رهبر خلاق و بی بدیل شهید محمد طاهر (بدخشی) بودیم. آنوقت صاحب نظر روشنفکر خلاق، مدافع حقوق ملیت ها و حرمت گذار به عقیده، کیش، مذهب و به مقام انسان و انسا نیت بودید و امروز علیه تمام این مقدمات قرار گرفته اید. شهید (بدخشی) همیشه میگفت در هر کجایی که زندگی میکنید، از هر قوم و قبیله ای که هستید، به هر لسانی که تکلم میکنید، به عقیده، مذهب، کیش و عنعنات مردم حرمت و ارج بگذارید. ولی شما من حیث شاگرد آن بزرگوار چه گل را به آب دادید.

آقای مرادی: به خاطر غنا نمودن و پرارزش ساختن تاریخ تا ن جهت کسب معلومات موثق به مناطق اسمعیلیه نشین که در بامیان، کابل، جلال اباد، وردک، بلخ، سمنگان، بغلان، کندز، تخار و بدخشان که زاد گاه من و تو است یکبار سفر نموده و در میان اسما عیلیان چند روزی سپری میکردید. اگر دیگر ساحات اسمعیلیه نشین دور بود در بدخشان به زیباک، اشکاشم، و اخان، شغنان، درواز، یمگان و نزدیکتر به درایم میرفتید تا از نزدیک مور دبررسی قرار میدادید حقایق، واقعیتها، افترا و اکاذ

یب را کشف، یادداشت و تصویر برداری مینمودید که آیا اسما عیلیان ملحد، زانی، لواط و.... اند و یا این نقل قولها و افسانه ها دروغ محض است.

آقای مرادی: خودت تذکر داده ای که من از دوستان روشنفکر اسما عیلی خود این نقل قولها را پرسیدم و آنها تمام اینها را رد نمودند، در حالی که در یک سازمان سیاسی متشکل بودید و در آن از هر مذهب و قوم عضویت داشتند و شما یک اندیشه داشتید باز هم به حرف آنها اعتماد نکردید تمام این اتهامات را درج تاریخ خود نمودید. این به این معنی است که شما به اندیشه سیاسی خود هم باور نداشته اید.

آقای مرادی: گفته اند که آفتاب باد و انگشت پنهان نمیشود. ملحد آنهایی را میگویند که به خدا، پیغمبر و قرآن که کتاب خداست باور ندارند، در حالی که اسما عیلیان خدای خود را با تمام معنی میشناسند، پیغمبر برحق و برگزیده او را یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) را پیغمبر برحق خود میدانند، از تمام اوامر، دستاویز و صایای او پیروی کرده، میکنند و خواهند کرد و قرآن را کتاب مقدس الهی میدانند. ملحد بودن اسما عیلیان بدین معنی است که حضرت محمد (ص) پیغمبر برحق مادر زمان حیات خویش در غدیر خم به اصحاب خود و مردم گفت که (هر که را من مولا یم، علی مولا یم) و گفت (ای مردم بعد از من علی جانشین و وصی من است). از آن زمان شیعیان امامت و وصایت حضرت مرتضی علی را پذیرفتند و اسما عیلیان تا به اکنون سلسله امامت را قبول دارند. یکی از علل بقای این فرقه دانستن امام عصر، پذیرفتن فرامین مبارک و شیوه رهبری مذهبی است.

اسما عیلیان مرتضی علی را نه تنها وصی پیغمبر و امام خود میدانند بلکه برادران شیعیه اثنا عشری هم امام برحق خویش میدانند و برادران اهل سنت هم او را به عنوان خلیفه خویش قبول دارند. حضرت مرتضی علی وصی برحق، پسر عم و داماد حضرت محمد مصطفی (ص) است و هم چنان مدافع و سالار دین مقدس اسلام بعد از حضرت پیغمبر است. از برکت آن حضرت است که بعد از پیغمبر گرانمایه ستونهای دین مقدس اسلام پا برجا باقیمانده و بیرق پر افتخار اسلام در ممالک اسلامی در ا

هتزاز است. این یک چیز واضح است هر کس کلید خانه خود را به اهل بیت خویش که صادق و امانت دار باشد، میدهد نه به بیگانه. در وجودنا زین حضرت مرتضی علی تمام این صفات پسندیده وجود دارد: وصی برحق پیغمبر، امیر و ولی، صاحب عصر و زمان، صاحب امر، منبع کمال و خیر، سالار و مدافع دین پیغمبر، زنده و دائم، پاینده و قائم، سزاوار و شایم، باشهامت و جوانمرد، نصرت داشتن در هر نبرد، پاک و مطهر، از سر باخبر، علیم و عالم و دانای غیب، با سخاوت و دلیر، شکیبیا و صبور، کاماژ در رادر کودکی درید، در خیبر را کند، سر عنتر را برید، از لطف عمیم و فضل و احسان برخوردار، غواص در بحر معرفت، پیشوا و مقتدا، و دستگیر در روز محشر. امام در هر زمان نجات میدهد و چراغی است همیشه روشن.

آقای مرادی: اسما عیلیان بدستور امام و پیشوای مذهبی خویش عمل میکنند. امام مامیفر ماید: در هر کشور یکه زیست دارد، تابع دولت باشد، مطابق عصر زندگی کنید، کار کنید، تحصیل نمایید، طرفدار صلح، آشتی و برادری باشید، با هیچ کیش، مذهب و عقیده مخالفت نداشته باشید و باید به عقیده مردم حرمت بگذارید.

آقای مرادی: جنایاتیکه در دنیا و افغانستان رخ میدهد اعم از: کشتار، انتحار، چور و چپاول و سرقت، آدمربایی، تجاوز جنسی، لواط، تخریب سرکها و پلها، سوختاندن مکاتب، مساجد و حتی قرآن شریف کتاب مقدس الهی. آیاریوزی کدام فر داسما عیلی رادر روی پرد ه تلویزیون های داخل و خارج کشور دیده ای که درین جنایات دست داشته باشد البته نه اسما عیلیان امتحان خویش را در اخلاص، صداقت، امانت داری و پاکی به مردم جهان داده اند. و در داخل کشور از برادران سنی و شیعیه اثنا عشری در مناطقی که در جوار هم زیست دارند، اعمال و کردار اسما عیلیان از آنها پیرسید.

آقای مرادی اگر اینقدر مسلمان پاک و مذهب شناس هستید، یک شبکه تلویزیونی بنام اهل بیت که مجری آن یکی از برادران شیعیه اثنا عشری ما است، همیشه از شما تقاضا میکند که بیایید با هم از روی قرآن و احادیث

دیت خودتان در باره دین و مذهب بحث داشته باشیم، چرا داکتر صاحب مذهب شناس حاضر نمیشود.

آقای مرادی: اینگونه افتراها و اتهامات، کژاندیشی، تعصب، کوردلی و درج نمودن نقل قولها و افسانه‌های دور از واقعیت در ویدئو دیکر و شنفکر، سیاستمدار، مهندس و مورخ امر و زاز تصور دور است، چونکه تمام حقایق امر و زبا استفاده از تکنالوجی پیشرفته و میدیا و رسانه‌های خبری و تصویری مدرن به چشم سر مشاهده میگرد. اگر بدین منوال کارتان باشد شما هزار پیشه‌بیزی روزی خواهید بود. چنانچه گفته‌اند:

تو کاری زمین را نکو ساختی      که در آسمان پنجه انداختی

آقای مرادی: حضرت محمد مصطفی (ص) فرموده‌اند: که بعد از من امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم میگرد که از آن جمله یکی ناجی و رستگار است. اینکه کدام فرقه ناجی و رستگار است، خدا، پیغمبر و اهل بیتش میداند. دین یک دین است ولی مذاهب مختلف. به نظر من نباید بر ضد مذهب همدیگر تاخت و تاز کنیم و اراجیف بگوئیم، باید به عقیده، کیش و مذهب دیگران احترام داشته باشیم. چرا که تبلیغ ضد مذهب و بدگویی نتیجه درست نداده، نمیدهد و نخواهد داد. با این نقل قولها و افسانه‌های بیدلیل و بی‌مدرک شما محبوبیت خود را کم کرده و تاریخ منفورتان را منفورتر ساختید.

آقای مرادی: اسما عیلیان مردمان خوش‌قلب، نیک‌اندیش، بردبار، صلح‌دوست، مهمان‌نواز، بی‌تعصب، علاقه‌مند به دوستی و برادری و آموزش و دانش هستند. از خرافات، اتهامات، حسادت و بخل‌متنفرانند. اسما عیلیان در حفظ آزادی، استقلال، انکشاف و خدمت به هموطنان شان دو شاد و شایر اقوام در بقا و نگهداشت ارزشهای انسانی و اسلامی ملت حماسه‌آفرین کشور ما همیشه سهم فعال داشته‌اند.

آقای مرادی: شما با نوشتن چنین اتهامات و افتراها بر ضد مذهب اسمعیلیه و پیر وانش قلب میلیونها اسمعیلیه را جریحه‌دار ساخته‌ا

ید. نه تنها قلب اسما عیلیان را جریحه دار ساخته اید بلکه آنها بیکه دل رو شن، زنده و جدان، بی تعصب و آگاه از حقایق اند، نیز از نوشته های بی مفهوم و پوچ تان متاثر و متالم گردیده اند.

از تمام روشنفکران اسما عیلی که در هر جریان و سازمان سیاسی عضویت دارند، منحیث یک برادر و روشنفکر اسما عیلی تقاضا مینمایم که مانند محترم صبار صاحب، نیرو صاحب و راغب صاحب با نوشته جات خویش عمل آقای مرادی را محکوم نموده و جلو افترا هات و اتهامات این روشنفکر کور دل و افسانه نگار را بگیرید.

آقای مرادی: من بر ایت توصیه میکنم که از مردم اسما عیلی ما با این کارت که آنرا اشتباه میخوانی یا تعصب آمیز و قصدی، معذرت بخواهید. مردم ما با صفاتی که در بالا ذکر نمودم دارند، شمارا خواهند بخشید. من گفته هایم را با چند سطر شعر گونه اختتام میبخشم. من شاعر نیستم ازین شعر بی وزن و قافیه از خوانندگان گرامی معذرت میخواهم تنها احساس خود را تبارز داده ام.

با صفا و دوستی همفرتیم  
میکنیم زیست با مرام و اعتقاد  
در شجاعت ما بمثل رستمیم  
از پی معنی و مغزیم نی ز پوست  
یا که هستیم در و رای پامیرها  
یا کناری دریای پنج تا شغان  
سلحشور هستیم و قهرمان همیشه  
نیک اندیش و پاک ضمیریم و خوشنام  
ما به دلها تخم نیکی کاشته ایم  
میاندیشیم میباشیم در فکر غرق  
افتخار ما همه اند خبرگان

از تعصب ما مدام در نفرتیم  
در فضای یکدلی و اعتماد  
در سخاوت ما بسان حاتمیم  
ما آرامیم مردمان صلح دوست  
در دره هند و کشایم و بابا  
یا ساکنیم ما به درواز و واخان  
مهربان قلبیم و با ایمان همیشه  
ما سخی طبع و وانمردیم مدام  
چهره هایی پر ز قدرت داشته ایم  
ما به آزادی و منافع خلق  
مایه خوشی ماست فرهنگیان

عزت و وقار ما اخلاص ماست  
عفو کردن خصلت و خواص ماست

